

اقتصادکشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸،
زمستان ۱۳۸۳

دکتر عباس شاکری*

چکیده

برای تحقق اهداف رشد و توسعه کشور باید بستر توسعه ملی را طراحی و ایجاد کرد و با تأکید بر توسعه روستایی جایگاه بخش کشاورزی را در بستر مذکور مشخص نمود. در این مطالعه سعی بر آن بوده است تا نشان داده شود که تنها در پرتو چنین اقدام مبنایی است که جایگاه بهینه و تعامل پویا و کارآمد میان بخشهای صنعتی کشاورزی و خدمات مشخص، تعیین و محقق می‌شود. در واقع ایده وجود تضاد میان بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ایران موضوعیت ندارد بلکه میان بخش کشاورزی و صنعت و خدمات مولد از یک طرف و بخش دلای و پولی و

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

e-mail: shakeri@atu.ac.ir

۱۰۵

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

تجاری شهری از طرف دیگر تضاد وجود دارد. وضعیت حمایت از بخش کشاورزی در ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته و بعضی از کشورهای در حال توسعه مطلوب نیست. همچنین عملکرد مربوط به اعطای اعتبارات یا جذب آنها بسیار پایینتر از مقادیر مصوب است. اعتبارات عمرانی روستایی و بودجه تحقیقات کشاورزی ناچیز است. جبران این کاستیها و افزایش سرمایه‌گذاری، حمایتها، اعتبارات عمرانی و تحقیقاتی تنها در صورت ایجاد روندی توسعه‌ای و حذف فعالیتهای نامولد و توجه به توسعه روستایی نتیجه بخش خواهد بود. ایجاد این بستر مناسب، نه به معنای تأکید بیش از حد بر بخش کشاورزی است و نه به معنی تخصیص منابع محدود به امور نامحدود، بلکه به معنی ایجاد تعاملی پویا و توسعه‌ای میان بخشهای مولد اقتصادی برای تضمین و تداوم رشد و توسعه اقتصاد کشور است.

کلید واژه‌ها:

جایگاه بخش کشاورزی، رشد نامتعادل، رشد متعادل، توسعه اقتصادی، اشتغال، سرمایه‌گذاری

مقدمه

در دهه های اخیر در مورد جایگاه بخش کشاورزی بحثهای نظری فراوانی در قلمرو اقتصاد توسعه و برنامه ریزی، موضوعات خرد و کلان اقتصادی و تجارت بین‌الملل میان اقتصاددانان و سیاستگذاران رد و بدل شده است.

جایگاه بخش کشاورزی ...

اما قبل از پرداختن به محتوای این مجادلات می‌توان به طور صریح اذعان کرد که همه طرف‌های بحث بر اهمیت استراتژیک بخش کشاورزی و ضرورت اهتمام ورزیدن به آن اتفاق نظر دارند.

اقتصاددانانی چون «سن»^۱ تولید محصولات غذایی و کشاورزی را نتیجه در جریان بودن «عامل انسانی»^۲ دانسته‌اند. به عبارت دیگر به عقیده آنها این انگیزه‌های انسانی است که بر تصمیم‌انسان‌ها تأثیر گذاشته و باعث شده علی‌رغم کاهش شدید قیمت مواد غذایی و محصولات کشاورزی، تولید آن در بسیاری از نقاط جهان افزایش یابد. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که کاهش قیمت مواد غذایی موجب کاهش انگیزه اقتصادی و تجاری تولید محصولات کشاورزی می‌شود، اما تنها زمانی کاهش عملی تولید محصولات کشاورزی را به همراه داشته است که انگیزه تولید چنین محصولاتی تنها اقتصادی و تجاری بوده است. نگاه به آمار «سازمان خواربار و کشاورزی»^۳ مدعای صحت نتایج این مطالعات است.

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود شاخص تولید سرانه محصولات کشاورزی در همه مناطق جهان به جز قاره افریقا افزایش داشته است. این در حالی است که براساس آمار بانک جهانی (جدول ۲)، قیمت این محصولات بطور مستمر رو به کاهش بوده است. از نگاه «سن» این تغییرات به دلیل اهمیت موضوع غذا و بخش کشاورزی است

1. Sen, Amartya Kumar.
2. human agency.
3. Food and Agriculture Organization (FAO).

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

که باعث شده با وجود کاهش شدید قیمت، تولید محصولات سرانه کشاورزی و غذایی افزایش یابد.

جدول ۱. شاخص تولید سرانه مواد غذایی در جهان و چهار

قاره مختلف

شرح	-۷۶ ۱۹۷۴	-۸۱ ۱۹۷۹	۱۹۸۴-۸۶	-۹۶ ۱۹۹۴	-۹۷ ۱۹۹۶
جهان	۹۷/۴	۱۰۰	۱۰۴/۴	۱۰۸/۴	۱۱۱
افریقا	۱۰۴/۹	۱۰۰	۹۵/۴	۹۸/۴	۹۶
آسیا	۹۴/۷	۱۰۰	۶/۱۱۱	۱۳۸/۷	۱۴۴/۳
هند	۹۶/۵	۱۰۰	۱۱۰/۷	۱۲۸/۷	۱۳۰/۵
چین	۹۰/۱	۱۰۰	۱۲۰/۷	۱۷۷/۷	۱۹۲/۳
اروپا	۹۴/۷	۱۰۰	۱۰۷/۲	۱۰۲/۳	۱۰۵
امریکای شمالی و مرکزی	۹۰/۱	۱۰۰	۹۹/۱	۹۹/۴	۱۰۰
امریکا	۹۸/۸	۱۰۰	۹۹/۳	۱۰۲/۵	۱۰۳/۹
امریکای جنوبی	۹۴	۱۰۰	۱۰۲/۸	۱۱۴	۱۱۷/۲

منبع: سازمان ملل، فائو بولتن های آمار سه ماهه ۱۹۹۸، ۱۹۹۵ و بولتن های آماری ماهانه ۱۹۸۴

جدول ۲. قیمت مواد غذایی به قیمت ثابت ۱۹۹۰ (دلار)

شرح	۱۹۵۰-۵۲	۱۹۹۵-۹۷	تغییر درصدی
گندم	۴۲۷/۶	۱۵۹/۳	-۶۲/۷
برنج	۷۸۹/۷	۲۸۲/۳	-۶۴/۲
ذرت خوشه ای	۳۲۸/۷	۱۱۰/۹	-۶۶/۲
ذرت	۳۲۷	۱۱۹/۱	-۶۸

ماخذ: بانک جهانی

«سن» کاهش محصول سرانه این محصولات در افریقا را هم بازتاب بحران کلی و عمومی اقتصادی (همراه با بحران سیاسی و اجتماعی) می‌داند چرا که در این منطقه تنها

جایگاه بخش کشاورزی ...

در تولید مواد غذایی بحران ایجاد نشده بلکه در همه امور بحران بروز کرده است. وی با این توصیف از جایگاه کشاورزی خاطر نشان می‌کند که: «جای شگفتی نیست که بیشترین افزایش تولید محصولات کشاورزی در مناطقی از جهان مانند چین و هند بوده که بازار داخلی مواد غذایی آنها به طور نسبی از بازار جهانی مستقل است و قیمت کاهنده مواد غذایی را تجربه کرده اند. دلیل اصلی روند افزایش تولید سرانه محصولات کشاورزی در این مناطق با وجود کاهش قیمت ها، اهمیت مسأله غذا و نقش آن در حیات انسان ها است. این مقوله اساسی است که به محصولات کشاورزی ماهیتی استراتژیک اعطا می‌کند».

۱. جایگاه بخش کشاورزی در چارچوب نظریه های رشد

در راهبردهای توسعه ای، با استناد به نظریه های رشد متعادل و نامتعادل چون «روزن اشتاین-رودن»^۱، «نورکس»^۲ و «لوئیس»^۳، بر بخش های صنعت و کشاورزی تاکید می شود، درحالی که این نظریه ها چارچوب مشخصی برای ارجحیت بخش صنعت بر کشاورزی و یا بالعکس ارائه نمی کنند.

«نظریه رشد متوازن» بر رشد متوازن «بخش های صادرات و واردات»، «سرمایه گذاری های مولد»، «عوامل

1. Rosenstein – Roden.

2. Nurkse

3. Lewis

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

جني مثبت عمودي و افقي^۱، «بخش هاي توليد كننده كالاهاي سرمايه اي، واسطه اي و مصرفي» از يك طرف و توازن عرضه و تقاضا از طرف ديگر تاكيد داشته و در مجموع معطوف به اين نکته هستند كه دوره هاي فقر و مدارهاي توسعه نيافتگي بر عوامل مرتبط و تعامل هاي بين بخشي به عنوان عامل پويايي اقتصاد تاكيد دارند. نظريه هاي رشد متوازن در عين اشاره ضمنی بر اهميت بخش كشاورزی، نظريه مستقيم و صريح محوريت بخش كشاورزی بر صنعت نبوده، بلكه تاكيد بر رشد «همراه»، «همزمان» و «متوازن» صنعت و كشاورزي دارند.

«نظريه هاي رشد نامتوازن» همانند نظريه «رشد نامتعادل هريشمن» نيز نظريه جلوداري مطلق يك بخش در اقتصاد نبوده بلكه ناظر به اين نکته است كه افراط در همزمانی اختصاص منابع به همه بخش ها و صرف منابع محدود به امور نا محدود، نتيجه بخش نيست. نظريه هاي رشد نامتوازن تاكيد دارند كه می بايد محور حرکت اقتصاد را مشخص و ايجاد كرد و سپس بر اساس اين محورها برنامه هاي توسعه ای را جلو برد.

نگاه به مبانی نظريه هاي رشد متوازن و نامتوازن نشان می دهد كه اين دو نظريه با يكديگر در تضاد قرار نمی گيرند. نظريه رشد متوازن بر اين اساس استوار است كه در فرآيند پوياي توسعه، «روابط پيشين و پسین» و نقش آنها در توسعه در نظر گرفته شده و اين البته با ايجاد محور توسعه و ايجاد بخش هاي

1. vertical and horizontal positive externalities

جایگاه بخش کشاورزی ...

پیشتر از منافاتی ندارد. نظریه رشد نامتوازن نیز دایر بر این امر است که همزمانی و توازن ساده مکانیکی و تخصیص غیر بهینه منابع محدود به امور مختلف، بی‌توجه به ترسیم یک «محور پویای توسعه»، کار به جایی نبرده و تخصیص منابع باید حول یک محور پویا و پیشتر از صورت گیرد. بنابراین التزام به این دو نظریه نه نقش واقعی بخش کشاورزی در توسعه را کم رنگ جلوه می‌دهد و نه به نقش بیش از حد آن تأکید می‌کند و اساساً طرح تقابل میان بخش های کشاورزی و صنعت با استناد به این دو نظریه صحیح نیست^۱. مفاد نظریه های رشد متعادل و رشد نامتعادل ناظر به این امر است که در برنامه ریزی رشد باید همه بخش ها و ارتباط و تعامل آنها در کنار یکدیگر دیده شود و در عین حال با ایجاد یک محور، فرآیند رشد را جلو برد. به هر حال این مهم تأییدی است بر اهمیت بخش کشاورزی و ضرورت توجه به آن، کما اینکه بر اهمیت بخش صنعت هم تأکید دارد.

در پاره ای از موارد نقش کشاورزی در فرآیند رشد اقتصادی از دید «الگوهای رشد بسته» مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در آنها به منظور نمایش جایگاه کشاورزی بدون در نظر گرفتن تجارت خارجی، آثار زنجیره ای تقاضای نهایی و روابط داده - ستانده بین کشاورزی و صنعت در تولید، در چارچوب اقتصاد بسته مورد تحلیل

۱. در قلمرو تجربی ملاحظه می‌شود که در ایران نه تنها به بخش کشاورزی، بلکه شاید بیشتر از آن، به بخش صنعت هم بی‌توجهی شده است.

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

قرار می‌گیرد و توجه ای به نقش مزیت های نسبی و امکانات بالقوه تجاری نمی‌شود. «الگوهای رشد باز» نیز تعامل و توازن تقاضای داخلی را یک ضرورت ندانسته، بلکه از صادرات و واردات به عنوان مکمل های عرضه و تقاضا یاد می‌کنند و بر این اعتقادند که جایگاه بخش کشاورزی در هر کشور به مزیت نسبی آن کشور بستگی دارد و اگر کشوری فرضاً در بخش کشاورزی از مزیت های قابل توجه ای برخوردار نباشد، می‌تواند تنها واردکننده محصولات کشاورزی باشد. اما واقعیت امر این است که کشاورزی باید از دو نظر مورد توجه قرار گیرد: یکی به لحاظ جایگاه خاص آن در مسیر رشد و توسعه اقتصادی و دیگری به لحاظ اهمیت استراتژیک و جنبه های غذایی و سیاسی تولید مواد کشاورزی.

جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه

از جهت تقدم و تاخر زمانی و تاریخی شیوه‌های تولید صنعتی بعد از تولید کشاورزی ابداع و اجرا شده است و جوامع بشری قرن‌ها و هزاره‌ها تولید کشاورزی را بدون صنعت تجربه کرده اند. اما بعد از قرون وسطی و وقوع تحول فکری در مغرب زمین و اعطاء نقش محوری به علم، پیشرفتهای فنی و صنعتی در درون نظام تولید کشاورزی ابداع شد. یعنی پیشرفتهای علمی و صنعتی ابتدا برای فایده آموختن بر موانع و محدودیتهای طبیعی و به تاخیر انداختن قانون نحس بازده نزولی طراحی و

جایگاه بخش کشاورزی ...

اجرا می‌شد و پس از آن صنعت به عنوان یک بخش جزاء در یک تعامل صحیح پویا و منطقی با بخش کشاورزی (به عنوان دو بخش مکمل و تقویت کننده یکدیگر) رشد و تکامل یافت. لذا ریکادو اقتصاد دان معروف کلاسیک مدعی بود که پیشرفت کشاورزی به افزایش بهره‌وری کل اقتصاد کمک می‌کند و اساساً محدودیتهای موجود در رشد کشاورزی است که مرز رشد این بخش و ضرورت تشکیل سرمایه برای توسعه اقتصادی را تعیین می‌کند. بنابراین در ابتدای رشد صنعتی هر کشور نقش و جایگاه مناسب کشاورزی بسیار تعیین کننده است. بعد از آن تعامل میان این دو بخش و ارتباط پویای میان آنها حائز اهمیت است.

در ابتدای پیشرفت صنعتی، بخش کشاورزی می‌تواند با عرضه مواد غذایی و مواد اولیه به بخشهای در حال رشد دیگر، فراهم کردن یک «مازاد محصول قابل سرمایه‌گذاری»^۱ بصورت پس انداز و مالیات برای تامین سرمایه گذاری در بخشهای دیگر، ایجاد تقاضای مصنوعات صنعتی در بخش های روستایی از طریق فروش نقدی محصولات به شهرها، تامین ارز مورد نیاز صنعت نو پا از طریق صادرات محصولات کشاورزی کمک کند. به عبارت کلی تر و به قول «کوزنتس»^۲ بخش کشاورزی از دو طریق، یعنی مشارکت نهاده‌ای^۳ یا «عامل تولید» و «مشارکت بازاری»^۱ به پیشرفت هر دو بخش کشاورزی و صنعت کمک می‌کند.

1. investable surplus

2. Kuznets

3. input contribution

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

توسعه بر اساس استانداردهای بانک جهانی، عبارتست از تغییر ساختاری از اقتصاد مبتنی بر تولید و اشتغال کشاورزی به اقتصاد مبتنی بر پیشرفت تکنولوژی که طی آن سهم نیروی کار در کشاورزی و سهم محصولات کشاورزی از GDP کاهش می یابد. طبق این نگرش تحول و پیشرفت ساختاری خود به پیشرفت کشاورزی وابسته است. تولید صنعتی در صورت پیشرفت نکردن بخش کشاورزی متوقف می شود. میر^۲ مدعی است برای بخش کشاورزی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی کاملاً امکان پذیر است که در کل منابع وسیعی را به بخش های دیگر سرازیر کند، و اگر از این منابع انتقال یافته به بخشهای دیگر بطور موثر استفاده شود سرعت رشد اقتصادی تسریع می شود.

همچنین علاوه بر اینکه مازاد محصول کشاورزان، «کالاهای دستمزدی»^۳ کارگران صنعتی را تامین می کند، موجب گسترش بازار محصولات صنعتی نیز می شود. این عاملی است که در شرایط محدودیت صادرات (به خاطر عدم رقابت پذیری محصولات صنعتی داخلی)، در شکل گیری صنایع نقش مهمی ایفا می کند. ارزآوری یا صرفه جویی ارزی هم

۳. منظور از مشارکت نهاده ای این است که بعضی از محصولات بخش کشاورزی به عنوان ماده اولیه صنعت به کار می رود و مازادهای کشاورزی در تأمین نهاده سرمایه صنعتی مشارکت دارند.

1. market contribution

۴. منظور از مشارکت بازاری این است که محصولات خود را به شهرها می فروشد و از ناحیه درآمد آن تقاضای کالاهای صنعتی را افزایش می دهد.

2. Meier

3. Wage Goods

جایگاه بخش کشاورزی ...

می‌تواند از دستاوردهای مهم توسعه کشاورزی باشد که در مراحل اولیه رشد و توسعه صنعتی بسیار موثر است. لذا با توجه به چنین نقش بالقوه‌ای که بخش کشاورزی می‌تواند در فرایند پیشرفت بخش صنعت ایفا کند، اقتصاددانان توسعه تاکید کرده‌اند که اگر قرار است در بلندمدت یک تحول ساختاری در محصول و نیروی کار صورت بگیرد، باید برای تحقق آن سیاست‌های موفق توسعه کشاورزی اتخاذ گردد. اما لازمه اتخاذ این سیاست‌های موفق و توسعه بخش کشاورزی به معنی گسترش بخش غیرکشاورزی تا مرز ایجاد تنگنا برای کشاورزی نیست. میر متذکر می‌شود که موضوع تعیین توالی زمانی و نحوه تعامل بین دو بخش و سیاست‌های مناسب، امر دشواری است. به علاوه آموزه‌های تاریخی گذشته نیز بیانگر این است که تمایلات یک سویه معطوف به شهر به ضرر کشاورزی است. وی همچنین تاکید می‌کند که اینطور نیست که بخش کشاورزی صرفاً جنبه ابزاری برای توسعه صنعتی داشته باشد، بلکه ماهیت و جایگاه آن رفیع تر از ابزاری بودن آن است. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که بسیاری از تجارب تاریخی نشان می‌دهد که تخصیص نادرست منابع تولید شده در بخش کشاورزی و عدم هدایت صحیح آنها می‌تواند در جهت حمایت از شهرهای طفیلی عمل کند تا در جهت سرمایه گذاری و تامین نیازهای صنعت. در بسیاری از کشورها مساعدترین زمینه برای توسعه سریع اقتصادی، توسعه کشاورزی است راه کارها و نیازهای اولیه آن نیز عبارتند از:

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

ارتقاء بهداشت، آموزش و پرورش همگانی، آموزش فنی، تسهیلات بهتر حمل و نقل و اعتبارات ارزان روستایی برای اهداف تولیدی.

بنابراین در مورد تعیین جایگاه بخش کشاورزی در فرآیند توسعه کشورها می‌توان به این جمع‌بندی رسید که بخش کشاورزی منبع خوبی برای توسعه صنعتی است و انعکاس توسعه صنعتی در بخشهای روستایی می‌تواند به جریان پویایی از تعامل پیش‌برنده میان دو بخش کشاورزی و صنعت تبدیل شود.

در مراحل بعدی، گسترش دانش، ترویج و بهبود روشها در کشاورزی، ایجاد صنایع تبدیلی و مکمل، تحقیقات مسایل کشاورزی و آب و خاک، مشارکت بخش صنعت در حوزه بخش کشاورزی را منعکس می‌کند. لذا به حاشیه راندن کشاورزی (با وجود نقش مؤثری که می‌تواند در روند توسعه داشته باشد) و یا تأکید بیش از حد بر آن بدون در نظر گرفتن سایر بخشها به هیچ وجه در نظریه و عمل قابل تایید نیست.

اهمیت استراتژیک محصولات غذایی هم موضوعی است که هیچ کشوری نمی‌تواند از آن غافل شود. این جنبه قضیه آن قدر حساس و پرمخاطره است که می‌تواند روابط سیاسی بین المللی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه نقش کمبود محصولات غذایی در سرعت فروپاشی نظام شوروی سابق و مشکلات سیاسی پیشروی روسیه کنونی

جایگاه بخش کشاورزی ...

(بعد از فروپاشی) به خوبی این بعد از اهمیت کشاورزی را آشکار و برجسته می‌سازد.

۲. کشاورزی مهمتر است یا صنعت؟

بحث ما روی تضاد میان کشاورزی و صنعت نیست، همانطور که قبلاً هم متذکر شدیم این طور نیست که قبلاً به صنعت بیش از حد یا به اندازه خود بها داده شده است و به کشاورزی بی‌توجهی شده است؛ یا اینکه کشاورزی محور قرار گرفته و به صنعت بی‌مهری شده است. واقعیت این است که در شرایط کنونی، صنعت داریم اما صنعتی نیستیم، تفکر صنعتی نداریم و بسترهای اقتصاد صنعتی را ایجاد نکرده‌ایم. از طرفی اقتصاد دلای و پولی تجاری شهری هم بخش صنعت و هم کشاورزی هر دو را بطور منفی تحت تاثیر خود قرار داده است. لذا در شرایط کنونی در کشور ما (و در بسیاری از کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته) بحث اصلی تضاد میان بخش کشاورزی و صنعت، تضاد میان نیروی کار و سرمایه، تضاد میان منافع ملی و منافع خارجی نیست. بلکه تضاد میان طبقات روستایی و طبقات شهری است. از طرفی که بخش عمده‌ای از منابع پیشرفت بالقوه در بخش روستایی متمرکز است، با آن اما بخش عمده‌ای از لفاظی‌ها، تشکیلات و قدرت در بخش شهری متمرکز است، طبقات شهری در اکثر موارد در مقایسه با طبقات

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

روستایی برنده بوده اند و این امر باعث شده فرآیند توسعه کند و نامتعادل شود.

میر معتقد است اختلاف بین رفاه روستایی و شهری در کشورهای فقیر کنونی بسیار بیشتر از آن چیزی است که در مراحل اولیه توسعه کشورهای غنی وجود داشت. این شکاف، شکافی ناکارآمد و نامتعادل است. علت آن هم عمدتاً این است که کمتر از ۲۰ درصد از کل مقادیر سرمایه گذاری شده به این بخش اختصاص یافته است. در این مقاله نیز با ارایه آمار و اطلاعات نشان خواهیم داد که در طول سال های گذشته بطور متوسط تنها حدود ۶ درصد سرمایه گذاری کل در ایران به بخش کشاورزی اختصاص یافته است. وی متذکر می شود چنین عملکردی کارایی نداشته است. زیرا مثلاً در بیشتر کشورهای درحال توسعه بازدهی هر واحد پولی که در محصولات کشاورزی سرمایه گذاری می شود دو تا سه برابر بخشهای دیگر است. این در حالی است که سیاستهای عمومی و سازوکارهای خصوصی بازار دست به دست هم داده و پساندازهای داخلی و سرمایه های خارجی را به استفاده های غیرکشاورزی سوق می دهد.

ممکن است سؤال شود در حالی که تمام کشورهای توسعه یافته نسبت بالایی از منابع خود را در بخش غیرکشاورزی بکار می گیرند، آیا برای کشورهای در حال توسعه توجیه دارد که منابع قابل ملاحظه ای را به بخش کشاورزی اختصاص دهند؟ در جواب گفته می شود کشورهایایی که در

جایگاه بخش کشاورزی ...

مراحل اولیه توسعه خود قرار دارند، باید به بخش کشاورزی خود توجه و تاکید داشته باشند و با ایجاد يك تعامل صحیح میان دو بخش صنعت و کشاورزی تحقق توسعه همراه با امنیت غذایی و بهبود رفاه را امکان پذیر سازند. یعنی مثلا در شرایط کنونی اقتصاد که بیشتر منابع از کشاورزی و صنعت هر دو رو گردان شده و به اقتصاد نامولد واسطه ای و پولی تجاری شهری متمایل شده است، باید تدبیری اندیشیده شود که این منابع صرف توسعه روستایی و تعامل پویای رو به جلو در بخش صنعت و کشاورزی شود. نکته دیگری که در پاسخ به این سؤال باید مورد توجه قرار گیرد این است که در مورد کشورهایی که نیروی کار محدود دارند و با تجهیزات و امکانات موجود از ظرفیتهای بخش کشاورزی استفاده کامل می‌برند، چه بسا توجه بیشتر به کشاورزی مستلزم دریغ داشتن نیروی کار و منابع از صنعت باشد. اما در کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه توجه به کشاورزی و سرمایه‌گذاریهای مناسب در این بخش به آزاد شدن نیروی کار و منابع به سایر بخشها کمک می‌کند.

میر در جای دیگر متذکر می‌شود استراتژی مطلوب این است که روی توسعه پربازده منابع روستایی متمرکز شویم. لذا باید فعالیتهای صنعتی هم به این فرآیند کمک کند تا توسعه روستایی را پایدار سازد. صنعتی شدن سریع در جبهه ای وسیع به دلیل نبود کالاهای

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

دستمزدي و ظرفيت پسانداز (که در بخش کشاورزی و روستايي تدارك مي‌شود) به خود نابودي منجر مي‌شود و احتمال دارد خود صنعتي شدن را بي اعتبار کند. لذا وي متذکر مي‌شود اگر به صنعتي شدن علاقه‌مند هستيد خود را براي توسعه کشاورزی آماده کنيد. نتيجه آن که بحث اصلي توسعه، تضاد ميان کشاورزی و صنعتي شدن نيست. تضاد ميان اقتصادي نامولد مبتني بر کارگزاريهاي فراوان پولي تجاري و واسطه‌اي و اقتصادي مولد و توسعه‌گرا است. در اولي کشاورزی و صنعت هر دو، مورد بي‌مهري واقع مي‌شوند و اقتصاد روستايي تحت الشعاع اقتصاد شهري قرار مي‌گيرد، حتي فعاليتهاي صنعتي حاشيه شهرها هم مغلوب فعاليتهاي نامولد شهري واقع مي‌شود. اما در دومي جاگاه هر دو بخش کشاورزی و صنعت در يك بستر توسعه‌اي تعين و ترسيم مي‌شود. توسعه روستايي در کنار توسعه صنعتي تعريف و اجراء مي‌شود و تعامل پويا و مکملی اين دو بخش در اين مسير توسعه خودبخود مشخص مي‌شود. تنها در چنين وضعيتي است که انتقال مازاد نيروي کار و محصول به صورتي کارا به شهرها و قلمروهاي صنعتي عملي مي‌شود و زمينه‌هاي اشتغال خود کار و گسترش ظرفيت در درون سازوکارهاي اقتصاد شکل مي‌گيرد.

لذا بحث مزيت نسبي کشاورزی و صنعتي در مرحله بعد موضوعيت پيدا مي‌کند. يعني در مراحل اوليه توسعه اهتمام به توسعه روستايي و تعامل پوياي دو بخش

جایگاه بخش کشاورزی ...

کشاورزی و صنعتی مستقل از وجود نوع مزیت نسبی در اقتصاد یک کشور امری مسلم و ضروری محسوب می‌شود. عده‌ای از تحلیلگران از آنجا که وضعیت صنایع کشور را ضعیف و نامطلوب ارزیابی می‌کنند، در جستجوی مشکلات پیش روی نوسازی صنعتی و صنعتی شدن کشور، به اشتباه تصور می‌کنند منابع صرف روستاها و کشاورزی شده است. اما توجه ندارند که منابع، ارزهای نفتی، اعتبارات و امکانات همه صرف اقتصاد دلای و پولی تجاری شهری می‌شود بدون اینکه به امور مولد کشاورزی و صنعتی توجه کامل مبذول شود. نادیده گرفتن این واقعیت (که عمده منابع صرف اقتصاد نامولد شهری می‌شود) همه ارزیابی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاریها و مواجهه با مشکلات و موانع را تحت تاثیر قرار می‌دهد و لذا فرد تحلیلگر را در همه این امور دچار اشتباه می‌کند.

نکته حائز اهمیت دیگر آن که نقش روستا و کشاورزی در تمام نقاط جهان به عنوان یک واقعیت غیرقابل تردید پذیرفته شده است. در بسیاری از بخشهای کم‌درآمد آسیا، مثل هند، نپال، سریلانکا، بنگلادش و تایلند و در عمده مناطق افریقا، توسعه اقتصادی با توسعه روستایی گره‌خورده است. حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت کشورهای جنوب صحرائی افریقا در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. لذا توسعه کشاورزی برای افزایش درآمد، اشتغال و درآمدهای صادراتی بیشترین اهمیت را دارد. از طرف دیگر افزایش درآمدهای

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

روستایی برای گسترش درآمدهای دولت و شکل دادن یک بازار داخلی برای کالاها و خدمات تولید شده در بخشهای رو به گسترش صنعتی ضروری است. میر در مورد اهمیت توسعه روستایی و کشاورزی متذکر می‌شود که در شرایط موجود مثلاً جزایر هند غربی که زمین‌ها و منابع آبی فراوانی وجود دارد بی‌معنی است که بین صنعت و کشاورزی انتخاب صورت گیرد. وی معتقد است در این منطقه باید بر توسعه روستایی تأکید شود و به صنعت هم اهمیت داده شود. توسعه روستایی به تدریج نیروهای کار مورد نیاز صنایع را از روستاها آزاد می‌کند و در مقابل هم که گفته می‌شود اگر صنعت توسعه یابد توسعه کشاورزی متوقف می‌شود حقیقت ندارد و دقیقاً عکس آن صحیح است. زیرا کشاورزی نمی‌تواند بدون ایجاد مشاغل جدید و تکمیلی در اطراف مزارع به ایجاد یک سطح زندگی مناسب تداوم دهد. زیرا همانطور که توسعه صنعتی به مازدهای روستایی جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و رفاه روستایی (جهت گسترش بازار محصولات صنعتی) نیاز دارد توسعه کشاورزی نیز به خدمات صنعتی و دستاوردهای صنعتی برای بهبود بازدهی‌های کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی و امکانات زیربنایی روستایی نیاز دارد. زیرا صنعتی شدن حجم سرمایه در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد و این خود به نوسازی کشاورزی و افزایش تولید کمک می‌کند. اقتصاددانان در دهه ۱۹۴۰ بر این اعتقاد بودند که به دلیل محدودیت منابع در دسترس، توسعه کشاورزی و صنعتی با هم تضاد

۳.۰.۰ جایگاه بخش کشاورزی ...

دارند، ولی بعداً ایده رایج این شد که توسعه این دو بخش نه تنها با هم تضادی ندارند بلکه این دو بخش می‌توانند به رشد به یکدیگر کمک کنند.

۳. تجربه کشورهای پیشرفته

از تجربه کشورهای صنعتی بخوبی ملاحظه می‌شود که انتخاب میان استراتژی کشاورزی و صنعتی موضوعیت نداشته است. زیرا از زمان رنسانس فکری اروپا که زمینه‌های علم محوری شکل گرفت، واقعیت‌ها و مشکلات مربوط به امور حمل و نقل و تجارت و نیز مشکلات و موانع موجود در بخش کشاورزی انگیزه ابداعات و پیشرفت‌های صنعتی را شکل داد. به عبارت دیگر توسعه صنعتی در بستر توسعه کشاورزی موضوعیت یافت. مثلاً ریکاردو برای به تاخیر انداختن پدیده منحوس بازده نزولی در کشاورزی، لزوم دستیابی به تکنولوژی بالاتر را مطرح می‌کند. وی در نظریه رشد خود، وضعیت رشد صنعتی و سرمایه‌گذاری در صنعت را به وضعیت زمین‌های حاصلخیز، تقاضای مواد غذایی و محصولات کشاورزی منوط می‌کند. در حقیقت وی رشد صنعتی و آینده بازرگانی و سرمایه‌گذاری در این بخش را به شرایط بخش کشاورزی منوط می‌کند. در تجربه مذکور به موازات پیشرفت در صنعت که عمدتاً به افزایش بهره‌وری در کشاورزی منجر می‌شد، کارگران از بخش کشاورزی و روستاها به بخش صنعت منتقل می‌شدند و داد و ستد نیروی کار و منابع و دستاوردهای تکنولوژیک میان این دو بخش در یک بستر

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

توسعه ای تدریجی و پویا و رو به جلو انجام می‌شد. درسی که از تجربه این کشورها می‌توان آموخت این است این کشورها به جای متضاد فرض کردن توجه به این دو بخش، با توجه به تاثیرات متقابل مثبت این دو بخش بر یکدیگر با تنظیم تعامل پویای آنها، هر دو بخش را به جلو رانده‌اند. ملاحظه می‌کنیم که در این تجربه به خاطر بهره‌مندی بخش کشاورزی از دستاوردهای تکنولوژیکی، علمی و صنعتی، هزینه تولید بخش کشاورزی مرتب کاهش می‌یابد و در نتیجه موجب کاهش قیمت محصولات کشاورزی می‌شود. از طرف دیگر نیروی کار بخش صنعت قبل از مکانیزه شدن و مدرن شدن کشاورزی تامین می‌شود و مزایای بخش کشاورزی تشکیل سرمایه‌های مکرر در بخش صنعت را امکان‌پذیر می‌سازد. تجربه کشورهای توسعه یافته دیگر مثل آمریکا و ژاپن نیز گویای توجه هماهنگ و توأم به بخش کشاورزی و صنعت در این کشورها است. تجربه اجرای برنامه‌های توسعه هند نیز گویای همین معناست. توسعه صنعتی هند به گونه‌ای طراحی شده که مثلاً در سال ۱۹۸۸ بیش از ۳۵ میلیون نفر از جمعیت فعال این کشور در صنایع روستایی (نه کشاورزی روستایی) اشتغال داشته‌اند. گریفین معتقد است حتی کشورهای اروپایی را که اخیراً استراتژی انقلاب سبز را اتخاذ کرده‌اند، صنعتی شدن در این استراتژی نقش محوری ایفا کرده است و معتقد است مسئولیت صنعت ایجاد شغل برای نیروی کار در حال رشد و بنابراین کمک به کاهش فقر است. ولی از قول آرتولویس یادآور می‌شود که، ویژگی

جایگاه بخش کشاورزی ...

برجسته انقلاب صنعتی در پایان قرن هیجدهم این بود که این انقلاب در کشوری آغاز شد (یعنی انگلستان) که دارای بالاترین بهره‌وری کشاورزی بود. در حقیقت انقلاب صنعتی ایجاد صنعت در یک کشور بی‌صنعت نبود بلکه عبارت بود از راه‌های جدید ساختن همان چیزهای قدیمی. و این انقلاب در واقع همان صنعتی را که در دوران ساختار اقتصاد کشاورزی شکل گرفته بود متحول کرد. گریفین همچنین علاوه بر تأکید بر نقش صنعت در تجربه انقلاب سبز در بعضی از کشورها به اقدامات نهادی و نهادسازی و کاهش فقر و نابرابری نیز به عنوان شرط موفقیت انقلاب مذکور نیز اشاره می‌کند. وی متذکر می‌شود در چین، ژاپن، تایوان، کره جنوبی که در آنها نهادهای روستایی شکل گرفته و به کاهش نابرابری توجه شده سیاستهای کشاورزی و سیاستهای مکمل صنعتی، انقلاب سبز در آن کشورها را موفق‌تر ساخته است. اما در کشورهایی مثل فیلیپین، هند و بنگلادش که به این نهادهای و اقدامات اولیه توجه نشده است استراتژی انقلاب سبز مثل کشورهای دسته اول نتیجه نداد است (گریفین، ۱۳۷۵).

تجربه کشورهای سوسیالیستی نیز آموزنده است. کشورهای سوسیالیستی مخصوصاً اتحاد جماهیر شوروی در دهه‌های اخیر بر سیاست صنعتی شدن تأکید داشتند و به بخش صنعت نسبت به بخش کشاورزی اولویت بسیار بیشتری دادند. لذا رشد شدیداً نامتوازن در این کشورها به

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

نفع بخش صنعت به کمبودهای مزمین غذایی منجر شد و بعداً برای آنها مشکلات سیاسی ایجاد کرد.

بنابراین نتیجه‌ای که از مطالعه تجارب سایر کشورها بدست می‌آید این است که صنعت و کشاورزی را نباید در مقابل هم دید. بلکه باید در یک بستر توسعه‌ای، جایگاه هر دو آنها را تعیین و تعامل پویای آن دو را طوری تنظیم کرد که هم امنیت غذایی کشور تامین شود و هم فرآیند صنعتی شدن اقتصاد کمک شود.

۴. ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران و جایگاه بخش کشاورزی

همانطور که در بخش‌های نظری و تجربه تاریخی مربوط به جایگاه بخش کشاورزی متذکر شدیم، کشورهای که از امکانات و منابع کشاورزی برخوردار هستند به هیچ وجه نباید به بهانه صنعتی شدن، بخش کشاورزی و توسعه روستایی را دست کم بگیرند. صنعتی شدن با صنعت داشتن متفاوت است. صنعتی شدن واقعی در گرو تصویر و تحقق یک جایگاه خاص برای صنعت در بستر توسعه ملی است که در آن بستر برای توسعه روستایی به عنوان یک پیش شرط مسلم صنعتی شدن جایگاه بالایی در نظر گرفته شده است. اما بنظر می‌رسد ما بدون ترسیم و ایجاد یک بستر توسعه‌ای و تعیین جایگاه بخش‌های اقتصادی در آن و تصویر و تنظیم مسیر تعامل پویا میان این بخش‌ها، با منابع در اختیار خود مشتی صنایع در کشور احداث کرده‌ایم و بدون بسترسازی برای توسعه شهری و صنعتی

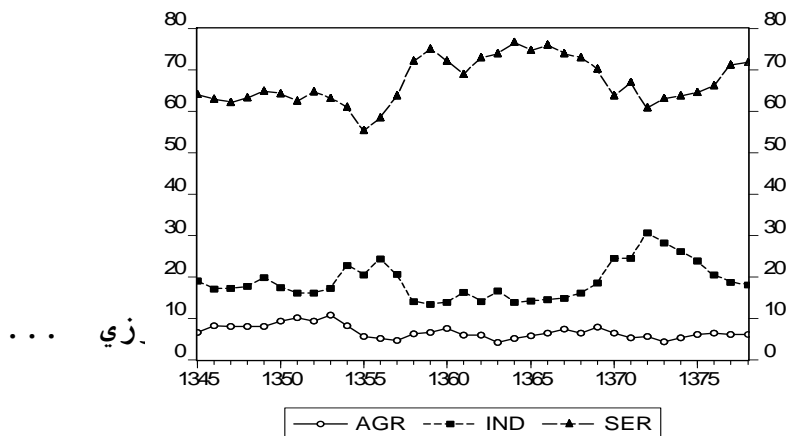
جایگاه بخش کشاورزی ...

شدن، همه اقدامات صنعتی ما به جای ایجاد تفکر صنعتی، سازمان تولید صنعتی و رشد تولید صنعتی عملاً به گسترش اقتصاد پولی تجاری مبتنی بر واسطه‌گری‌های زیاد و نامولد کمک کرده است به گونه‌ای که تجربه عملکرد چند دهه اخیر اقتصاد ایران حاکی از آن است که هم بخش کشاورزی مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است و هم بخش صنعت و فرآیند صنعتی شدن. در عمل شکاف میان بخش روستا و شهر و بخش مولد و نامولد گسترش یافته است. عده‌ای هم بی‌توجه به این تقسیم‌بندی و این واقعیت که اقتصاد بورژوا تجاری شهری و مبتنی بر امور نامولد ساکنان اقتصاد کشور را در دست دارد تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند که به لزوم بی‌توجهی به بخش کشاورزی و پرداختن به صنعت اشاره دارد. گویی این منابع در نظر گرفته شده برای صنعت است که در سالهای گذشته صرف امور کشاورزی و روستاها شده است. در حالی که واقعیت‌های موجودگویی آن است که صنعت و کشاورزی هر دو تحت الشعاع اقتصاد پولی تجاری شهری هستند و به دلیل حاکمیت چنین اقتصادی در کشور و نیز نبود بستر توسعه‌ای، کشاورزی و صنعت هر دو در مدار عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی در جا می‌زنند. لذا در اینجا بعد از طرح مباحث نظری و تجربی مربوط به جایگاه بخش کشاورزی، سیاست‌های کلان کشور در مورد این بخش در سالهای گذشته را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴. ۱. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

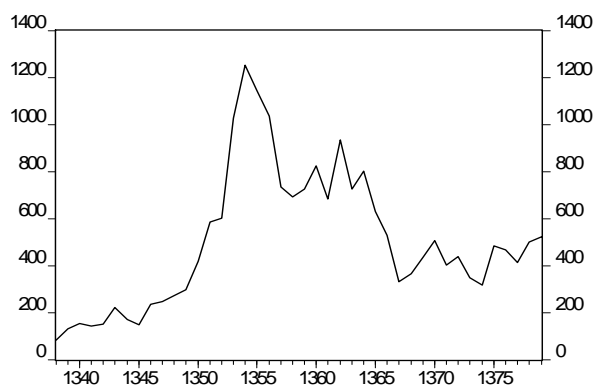
اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

اصولاً سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی، راه‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، آبیاری، زه‌کشی، امکانات ذخیره‌سازی، پلکانی کردن زمین‌های شیب‌دار، برقرسانی، ارتباطات، پژوهش‌های کشاورزی، آموزش و پرورش روستایی، دانش‌ترویج و اصلاح بذر، تکنولوژی نوین، خدمات بازاری و حمل‌ونقل از پیش شرط‌های توسعه بخش کشاورزی - روستایی است. البته برای تحقق این مهم، نقش دولت در تأمین سرمایه بخش مهمی از این سرمایه‌گذاری‌ها بسیار با اهمیت است. نقش دولت در تأمین نهاده‌های عمومی برای تولید روستایی و کشاورزی هم در کنار نقش اول مطرح است و اهمیت خاص خود را دارد. در ایران متأسفانه چون در برنامه‌ریزی‌ها بستر توسعه ایجاد نکرده‌ایم و بازدهی‌ها در اقتصاد پولي - تجاری شهری بسیار بیشتر از بازدهی تولید کشاورزی (برای کشاورزان) بوده است، سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی انجام نشده است. وضعیت نسبی سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در نمودار ۱ انعکاس یافته است.



نمودار ۱. وضعیت نسبی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف

در این نمودار سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری بطور متوسط حدود ۶ درصد و سهم سرمایه‌گذاری صنعتی بطور متوسط ۱۷ درصد بوده است. در حالیکه سهم سرمایه‌گذاری در خدمات حدود ۷۰ درصد بوده است. لذا سهم مربوط به کشاورزی تقریباً رو به کاهش و سهم خدمات آشکارا رو به افزایش داشته است. به وضوح مشخص می‌شود که وجوه و منابعی که از صنعت دریغ شده است صرف سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نشده است. البته وضعیت نسبی جایگاه صنعت هم در قلمرو سرمایه‌گذاری نسبت به سال‌های قبل بهبود چندانی نیافته است. نمودار ۲ میزان سرمایه‌گذاری برحسب قیمت‌های سال ۱۳۶۹ را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی (ثابت ۱۳۶۹)

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

در این نمودار، مقدار سرمایه گذاری به قیمت ثابت نیز در مجموع نزولی بوده است. نکته قابل ذکر آن که خدمات در کشورهای پیشرفته عمدتاً با کیفیت هستند و به صورت مکمل بخش‌های تولیدی عمل می‌کنند. در کشورهای پیشرفته خصوصاً بعد از پشت سر گذاشتن تولید انبوه و بعد از به حساب آوردن عامل زیست محیطی در برنامه ریزی‌های اقتصادی به عنوان اصلی ترین عامل، سرمایه‌گذاری در خدمات و حتی صادرات آن به شدت افزایش یافته است. اما خدمات در کشور ما ماهیتاً اینطور نیست و تا حد زیادی نمایانگر فعالیت‌های مربوط به اقتصاد پولی واسطه‌ای شهری است تا فعالیت‌های مولد و مکمل تولید. در کشورهای در حال توسعه هر دلاری که به طور صحیح در بخش کشاورزی خرج می‌شود دو تا سه برابر بخش‌های دیگری بازدهی دارد. مثلاً در دهه ۱۹۷۰ در کنیا و مالی کمتر از ده درصد از اعتبارات برنامه‌های توسعه به کشاورزی اختصاص داشت در حالی که هند در نخستین برنامه پنج ساله خود (۱۹۵۱) ۳۱ درصد و در ۳ برنامه بعدی حدود ۲۰ درصد از سرمایه‌گذاری خالص خود را به بخش کشاورزی اختصاص داد. لذا در طول دوره ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ رشد متوسط سرانه محصولات غذایی در هند حدود ۱/۶ درصد و در کنیا فقط ۰/۵ درصد بود. چین و برزیل هم که در کشاورزی سرمایه گذاری خوبی انجام داده‌اند در این دوره به ترتیب ۳ و ۱/۷ درصد رشد محصول سرانه کشاورزی داشتند. بنابراین نقش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و

جایگاه بخش کشاورزی ...

تأثیر آن بر بازدهی این بخش نکته مهمی است که معیارهای نظری و شواهد تجربی هم خوبی آن را تأیید می‌کنند. از مقایسه این اعداد می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد سرمایه‌گذاری کشور در بخش کشاورزی مطلوب نیست. علت آن را هم باید در جایگاه روستا و کشاورزی در اقتصاد کشور جستجو کرد. وقتی بستر توسعه‌ای برای اقتصاد ترسیم نشود، و جایگاه بخش کشاورزی و روستا و نقش آنها در توسعه ملی در این بستر مشخص نشود، سرمایه‌گذاری و عملکرد بخش مذکور بهتر از این نخواهد بود. برای توضیح بیشتر این نکته، آمار و ارقام ارزش افزوده بخشهای مختلف به قیمت ثابت ۱۳۶۹ برای دوره ۷۹-۱۳۵۵ در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. متوسط نرخ رشد ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصادی

به قیمت ثابت ۱۳۶۹ (درصد)

کشاورزی	نفت	صنایع و معادن	خدمات	تولید ناخالص ملی
۳/۷	-۲/۵	۲/۳	۲	۱/۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۴. ۲. ارزش افزوده بخش و جایگاه نسبی آن

البته در کشورهای پیشرفته با وجودی که مقدار مطلق ارزش افزوده بخش کشاورزی بسیار بالاست، اما اندازه نسبی آن بخاطر رشد شتابان محصولات صنعتی و خدمات کیفی نسبتاً پایین است. در اقتصاد ما بخاطر عدم توسعه یافتگی، ارزش مطلق این بخش بالا نیست، اما سهم نسبی آن بالاست. در مباحث قبل به وضعیت بسیار نازل سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اشاره شد. این وضعیت در

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

حالی اتفاق افتاده است که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی نسبت به ارزش افزوده کل اقتصاد افزایش یافته و مقدار آن نیز بالنسبه قابل ملاحظه بوده است.

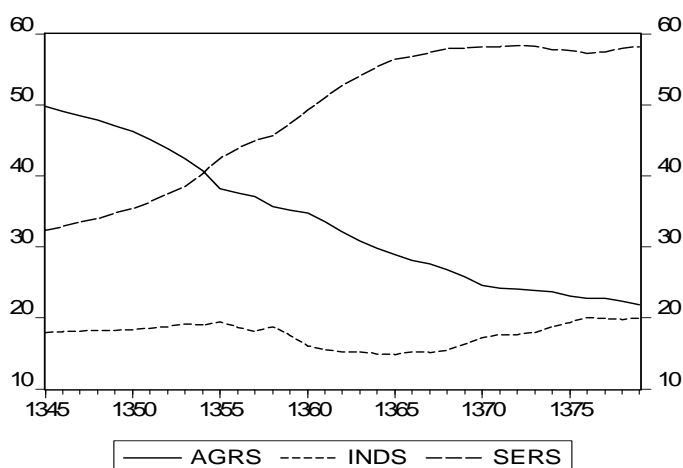
۴.۳. سهم اشتغالزایی بخش

همانطور که قبلاً متذکر شدیم بعد از تحقق درجه‌ای از توسعه یافتگی خصوصاً توسعه روستایی، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار کشاورزی باید به بخش‌های صنعتی شهری و یا صنایع تکمیلی روستایی منتقل شوند. ولی در شرایط کنونی اقتصاد کشور که زمینه‌های اشتغال صنعتی فراهم نیست، این نسبت بالای اشتغال می‌تواند معیاری باشد برای ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در جامعه روستایی و کشاورزی. اما در آینده بخشی از این جمعیت می‌تواند در فعالیتهای صنعتی تکمیلی در روستاها یا در صنایع شهری مشغول به فعالیت شوند. در نمودار ۴ سهم اشتغال زایی این بخش و سایر بخشها آرایه شده است. مقایسه سهم اشتغال زایی و ارزش افزوده این بخش نسبت به سایر بخشها با سهم سرمایه‌گذاری این بخش بیانگر این است که به بخش کشاورزی کاملاً بی‌توجهی شده است. البته نسبت‌های بالای اشتغال زایی بخش کشاورزی در کشورهای توسعه نیافته نشانه خوبی عملکرد نیست، اما اهمیت و وزن بخش کشاورزی در شرایط کنونی اقتصادکشور را به ما گوشزد می‌کند.

سایر آمارها بیانگر این است که در سالهای گذشته به توسعه روستایی و استعدادهای موجود در بخش

جایگاه بخش کشاورزی ...

کشاورزی توجه کافی مبذول نشده است. هر برنامه توسعه‌ای که بخواهد در کشور طراحی شود بدون در نظر گرفتن جایگاه و وزن و نقش تعیین‌کننده کشاورزی و روستا راه به جایی نمی‌برد. نکته قابل ذکر این است که در جلد پنجم سند برنامه سوم تحت عنوان ساختار الگوی اقتصاد سنجی کلان (پیش‌بینی کمی تصویر اقتصاد کلان کشور در برنامه سوم) هیچ اشاره‌ای به بخش کشاورزی نمی‌شود و حتی یک معادله از میان ده‌ها معادله‌ای که در این کتاب توصیف و برآورد شده به بخش کشاورزی اختصاص نیافته است. البته در بررسی مساله اشتغال و ارزش افزوده و صادرات بطور ضمنی اعداد و ارقام مربوط به بخش کشاورزی به حساب آورده شده است، اما توصیف معادله‌ای رفتاری و یا برآوردی که مبین سیاست‌گذاری و جهت‌گیری خاص در بخش کشاورزی باشد مطرح نشده است.



اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

نودار ۴. سهم اشتغالزایی بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات
(درصد)

۴. ۴. حمایت از بخش کشاورزی

بخاطر اهمیتی که محصولات کشاورزی در امنیت غذایی کشورها دارد و به خاطر جایگاه این بخش در اقتصاد و نیز از آنجا که بخاطر محدودیت‌های طبیعی روند کاهش هزینه‌ها در بخش کشاورزی از کاهش هزینه‌های بخش صنعت محدودتر است، بحث حمایت از بخش کشاورزی، بحث پذیرفته شده‌ای است. لذا بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه با وجود درهم آمیختگی روز افزون اقتصاد جهانی، حمایت خود را از این بخش افزایش می‌دهند. نکته مهم قابل طرح در اینجا آن است که برنامه ریزی حمایتی و تاثیرگذاری حمایتها تنها در يك بستر توسعه ملی مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. یعنی اگر از مجرای توسعه روستایی در بستر توسعه ملی برای بخش کشاورزی برنامه ریزی نشود و بدون تعیین چنین جایگاهی بخش کشاورزی مورد حمایت قرار گیرد حمایت موثر نخواهد بود.

۴. ۴. ۱. تجربه کشورهای دیگر

کشورهای پیشرفته‌ای مثل آمریکا و اعضاء اتحادیه اروپا که همگی به اقتصاد بازار پایبند هستند و در معاهدات بین المللی هم نسبت به حذف محدودیتهای تجاری تعهد داده‌اند بیشترین حمایت را از بخش کشاورزی خود انجام می‌دهند. دلیل علمی و اقتصادی قضیه هم این است

جایگاه بخش کشاورزی ...

که وقتی حضور يك بخش در اقتصاد ضرورت کامل دارد، حال اگر این بخش نسبت به بخشهای دیگر تفاوت سطح داشته باشد و بخاطر محدودیتهای طبیعی و ماهیت بخش، بازدهی پولي آن نسبت به سایر بخشها کمتر باشد برای تضمین تداوم حضور این بخش باید این تفاوت سطح را از طریق حمایتها جبران کرد. لذا کشورهای پیشرفته علاوه بر تامین نهادههای عمومی بخش روستا مثل راهها، آموزش و بهداشت، دانش ترویج و ... که نقش مبنایی در توسعه کشاورزی دارند، حمایتهای مستقیم زیادی هم به این بخش میکنند. ترکیب و انواع حمایتهای دولتی در ایالات متحده، اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک در جداول ۴ ارایه شده است.

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

جدول ۴. ۱. ترکیب انواع حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در

ایالات متحده (میلیون دلار)

شرح	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷
حمایت قیمتی	۱۹۶۰	۱۹۸۰	۲۱۰۶	۲۳۷۳	۱۴۹۲
پرداخت براساس تولید	۷۳۵۰	۱۰۸۵	۹۷۲۲	۳۸۷۵	۳۰۵
پرداخت براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام	۱۹۶۰	۳۴۵۳	۲۷۰۰	۲۹۰۶	۳۰۵
پرداخت بر سابقه مشارکت در برنامه‌ها	۸۸۲۰	۱۰۳۶	۱۰۸۰	۸۷۱۹	۶۳۹۶
پرداخت برای مصرف برخی نهاده‌ها	۷۳۵۰	۶۴۱۳	۶۴۸۱	۶۲۹۷	۶۰۹۲
پرداخت برای عدم مصرف برخی نهاده‌ها	۱۹۶۰	۱۹۷۳	۱۶۲۰	۱۹۳۸	۱۸۲۸
پرداخت براساس کل درآمد کشاورز	۱۹۶۰	۱۹۷۳	۱۶۲۰	۱۴۵۳	۹۱۴
پرداخت‌های متفرقه	۰	۰	۰	۰	۰
جمع حمایت از تولید کنندگان بخش	۴۹۰۰	۴۹۳۳	۵۴۰۰	۴۸۴۴	۳۰۴۵
حمایت از خدمات عمومی کشاورزی	۲۴۱۲	۲۱۸۳	۲۱۸۳	۱۹۷۲	۲۰۴۹

جدول ۴. ۲. ترکیب انواع حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در

اتحادیه اروپا (میلیون دلار)

شرح	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷
حمایت قیمتی	۵۳۹۸۸	۵۲۸۷۴	۷۴۳۹۲	۷۶۲۲۷	۶۲۸۶۶
پرداخت براساس تولید	۳۷۲۳	۳۵۸۵	۳۴۳۴	۳۶۸۸	۳۳۶۸
پرداخت براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام	۲۵۱۳۲	۲۴۱۹۷	۲۵۱۷۹	۲۷۰۴۸	۲۸۰۶۵
پرداخت بر سابقه مشارکت در برنامه‌ها	۹۳۱	۸۹۶	۱۱۴۴	۱۲۲۹	۱۱۲۳
پرداخت برای مصرف برخی نهاده‌ها	۵۵۸۵	۶۲۷۳	۸۰۱۱	۹۸۳۶	۱۰۱۰۳
پرداخت برای عدم	۳۷۲۳	۲۶۸۸	۳۴۳۳	۴۹۱۸	۶۷۳۶

جایگاه بخش کشاورزی ...

					مصرف برخی نهاده‌ها
.	پرداخت براساس کل درآمد کشاورز
.	۱۲۲۹	.	.	.	پرداخت‌های متفرقه
۱۱۲۲۶۰	۱۲۲۹۴۶	۱۱۴۴۵۰	۸۹۶۱۷	۹۳۰۸۳	جمع حمایت از تولید کنندگان بخش
۸۲۰۸	۸۲۸۲	۱۰۳۴۶	۹۱۹۳	۹۰۱۷	حمایت از خدمات عمومی کشاورزی

جدول ۴ . ۳. ترکیب انواع حمایت‌های دولت از بخش

(میلیون دلار)

کشاورزی در کانادا

۱۹۹۷	۹۸۱۹	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	شرح
۱۹۹۲	۲۱۴۴	۲۱۸۶	۲۰۳۵	۱۸۴۶	حمایت قیمتی
۲۴۹	۲۵۰	۳۵۱	۳۳۲	۲۳۶	پرداخت براساس تولید
۱۵۶	۱۴۳	۱۹۵	۳۷۴	۳۹۳	پرداخت براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام
.	.	.	۵۴۰	۵۱۱	پرداخت بر سابقه مشارکت در برنامه‌ها
۴۰۵	۲۸۶	۳۵۱	۳۷۴	۳۵۴	پرداخت برای مصرف برخی نهاده‌ها
۳۱۱	۷۵۰	۷۰۲	۵۴۰	۵۵۰	پرداخت براساس کل درآمد کشاورز
۳۱	۳۶	۱۱۷	.	.	پرداخت‌های متفرقه
۳۱۱۳	۳۵۷۳	۳۹۰۳	۴۱۵۳	۳۹۲۸	جمع حمایت از تولید کنندگان بخش
۱۳۱۱	۱۳۰۲	۱۲۹۷	۱۳۸۲	۱۲۲۷	حمایت از خدمات عمومی کشاورزی

جدول ۴ . ۴. ترکیب انواع حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در

مکزیک

(میلیون دلار)

۹۷	۹۸	۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	شرح
۳۱۷۱	۳۰۰۸	۳۴۷۴	۴۰۴۱	۴۰۵۳	حمایت قیمتی
.	.	.	.	۳۲۷	پرداخت براساس تولید
۴۸	۴۵	۵۷	۶۰	۶۵	پرداخت براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام
۹۶۱	۹۴۳	۱۲۵۳	۱۰۸۶	۱۲۴۲	پرداخت بر سابقه مشارکت

۱۳۷

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

در برنامه‌ها					
۵۷۶	۴۴۹	۷۹۷	۷۲۴	۷۸۴	پرداخت برای مصرف برخی نهادها
۰	۰	۰	۰	۰	پرداخت برای عدم مصرف برخی نهادها
۴۸	۴۵	۱۱۴	۶۰	۶۵	پرداخت براساس کل درآمد کشاورز
۰	۰	۰	۰	۰	پرداخت‌های متفرقه
۴۸۰۴	۴۴۹۰	۵۶۹۵	۶۰۳۲	۶۵۳۷	جمع حمایت از تولید کنندگان بخش
۳۷۰	۴۱۷	۵۰۸	۶۲۷	۸۵۹	حمایت از خدمات عمومی کشاورزی

مأخذ جداول ۴ : www.oecd.org

طبق جداول فوق، در این کشورها انواع مختلف حمایت‌ها از بخش کشاورزی وجود دارد. حمایت قیمتی در این کشور بسیار قابل ملاحظه است. علاوه بر حمایت‌های قیمتی به بخش برای مشارکت در برنامه‌های توسعه کشاورزی جهت دهی کاشت و مصرف و عدم مصرف بعضی از نهادها نیز یارانه‌پرداخت شده است. برای حمایت از خدمات عمومی بخش نیز وجوه قابل ملاحظه‌ای منظور می‌شود. نیز مقدار متوسط حمایت کشورهای مختلف از بخش کشاورزی در سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۰ در جدول ۵ آمده است.

طبق این جدول، ژاپن و آمریکا و اتحادیه اروپا بیشترین حمایت را از بخش کشاورزی انجام داده‌اند. درحالی‌که این کشورها در صنایع با تکنولوژی

جایگاه بخش کشاورزی ...

بالا مزیت بالایی دارند. در جدول ۶ نیز نسبت بودجه حمایتی دولتها به ارزش محصولات کشاورزی تولید شده و مصرف شده و مقدار بودجه حمایت از زیرساختهای کشاورزی و خدمات عمومی این بخش در مورد اتحادیه اروپا شده رایج است.

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸
جدول ۵. مقدار حمایت از تولید کنندگان محصولات کشاورزی
در ۱۳ کشور عضو OECD

در

فاصله سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۰

(میلیون دلار)

کشور	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	میانگین
استرالیا	۱۲۸۴	۱۰۹۶	۱۰۴۹	۱۱۴۳
کانادا	۳۴۴۷	۳۶۰۰	۴۲۹۹	۳۷۸۲
جمهوری چک	۸۳۸	۷۲۶	۸۸۶	۸۱۶/۶۷
اتحادیه اروپا	۱۱۰۲۷۴	۱۱۴۵۹۳	۹۰۲۲۹	۱۰۵۰۳۲
جارستان	۱۰۳۲	۱۱۴۵	۸۵۵	۱۰۱۰/۷
ژاپن	۵۰۰۹۵	۵۶۵۱۴	۵۹۸۸۶	۵۵۴۹۸
کره	۱۲۵۰۱	۱۸۷۹۰	۲۰۶۸۰	۱۷۳۲۴
مکزیک	۴۰۴۵	۴۳۱۹	۶۱۳۶	۴۸۳۳/۳
نیوزلند	۷۰	۸۴	۴۳	۶۵/۶۷
نروژ	۲۶۳۹	۲۴۹۴	۲۲۰۸	۲۴۴۷
سوئیس	۸۵۴۶	۷۷۹۳	۶۴۶۸	۷۶۰۲/۳
ترکیه	۹۹۵۵	۷۶۳۶	۳۷۹۱	۷۱۲۷/۳
آمریکا	۴۸۹۳۵	۵۴۷۶۲	۴۸۹۵۷	۵۰۸۸۵
کل OECD	۲۵۳۶۶۱	۲۷۳۵۵۲	۲۴۵۴۸۷	۲۵۷۵۶۷

مأخذ: OECD (2001)

جدول ۶. ارزش تولید، مصرف بودجه صرف شده برای انواع
حمایت از تولیدکنندگان بخش

کشاورزی در

(میلیون دلار)

کشورهای عضو OECD

شرح	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
ارزش محصول تولید شده (۱)	۶۶۸۳۰۵	۶۵۳۱۴۸	۶۳۱۵۵۸
ارزش محصول تولید شده (۲)	۵۲۸۴۸۲	۶۰۰۱۵۳	۵۸۸۳۴۴
حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی (۳)	۲۳۶۴۴۵	۲۷۳۵۵۲	۲۴۵۴۸۷
نسبت بودجه حمایتی تولیدکنندگان بخش به ارزش تولید (درصد)	۴۲	۴۲	۳۹
حمایت از طریق مکانیسم قیمت	۱۸۲۴۳۰	۱۷۰۱۴۷	۱۵۸۳۷۲

جایگاه بخش کشاورزی ...

۱۷۰۵۱	۱۷۶۹۵	۱۲۰۸۱	۱۲۰۳۲	پرداخت براساس مقدار محصول تولید شده (۴)
۲۷۷۷۳	۲۹۳۹۲	۳۰۶۲۲	۱۵۶۴۶	پرداخت براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام (۵)
۱۹۶۴۳	۲۲۳۸۶	۲۱۷۸۹	۲۰۱۳۶	پرداخت برای مصرف برخی نهاده‌ها (۶)
۶۱۶۱	۶۲۸۲	۶۴۵۳	۳۰۶۵	پرداخت برای عدم مصرف برخی نهاده (۷)
۲۷۲۱	۲۴۸۶	۲۲۹۷	۲۳۲۹	پرداخت براساس کل درآمد کشاورز (۸)
۵۵۵۲۲	۵۶۹۸۱	۵۸۰۷	۴۱۶۰۱	مقدار بودجه حمایت از زیرساخت‌های کشاورزی و خدمات عمومی بخش

مأخذ: OECD (2001)

حمایت دولت‌های عضو OECD از بخش کشاورزی به ارزش تولیدات کشاورزی در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ به‌طور متوسط معادل ۴۰ درصد بوده است و این حمایت‌ها از ۸ مجرا صورت گرفته است. مقدار مطلق حمایت آنها از زیرساخت‌های کشاورزی سالانه حدود ۵۵ میلیارد دلار بوده است. جدول ۷ مقدار حمایت کشورهای عضو OECD از بعضی محصولات شاخص بخش کشاورزی را به تفکیک ارائه داده است. این در حالی است که همه این کشورها اقتصاد بازار را تجربه می‌کنند و حمایت از یک بخش خاص در اقتصادهایی با چنین ساختار رقابتی بسیار تأمل برانگیز است. نکته حائز اهمیت دیگر ماهیت و نوع حمایت این کشورهاست که هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ کمیت در سطح بسیار بالایی قرار دارد.

جدول ۷. مقدار حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی به تفکیک محصول در کشورهای

(میلیون)

عضو OECD

(دلار)

۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۶-۹۸	محصول
۱۶۰۴	۱۹۶۵۹	۱۸۴۱۳	۱۸۹۴۸۱	گندم

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

۱۳۳۵۹	۱۲۹۶۰	۱۰۸۸۰	۱۲۶۶۶	ذرت
۲۹۳۳۵	۲۷۴۶۶	۲۲۳۳۳	۲۶۹۳۷	برنج
۶۱۹۸	۵۹۱۹	۴۲۸۱	۵۳۲۹	دانه های روغنی
۵۷۸۸	۷۵۶۰	۶۸۴۸	۵۷۵۰	شکر
۳۹۱۲۵	۴۵۳۳۳	۵۰۴۴۳	۴۵۸۶۹	شیر
۲۵۴۲۵	۲۹۹۰۲	۲۸۸۹۶	۲۳۴۴۲	گوشت گوساله
۳۴۸۹	۴۷۳۳	۴۴۴۳	۴۷۰۸	گوشت گوسفند
۶۸۱۹	۴۹۰۵	۳۰۵۹	۴۰۵۱	طیور
۱۳۸۸	۱۸۷۴	۱۹۶۱	۲۳۵۵	تخم مرغ
۲۴۵۴۸۷	۲۷۳۵۵۲	۲۵۳۶۶۱	۲۳۶۴۴۵	جمع کل

مأخذ: OECD (2001)

بطور خلاصه کشورهای پیشرفته با وجود تامین نهاده های عمومی روستایی، حمایت های توسعه ای و زیر ساختی و در شرایط تحقق کامل توسعه روستایی در این کشورها حمایت های موثر پولی و غیرپولی فراوانی به بخش کشاورزی اعطاء می کنند. حتی برای صادرات این کالاها نیز یارانه های زیادی پرداخت می کنند. اما در کشور ما اولاً بخاطر نبود یک بستر توسعه ملی و نادیده گرفتن بحث توسعه روستایی، حتی اگر حمایتی از طرف دولت به بخش کشاورزی صورت بگیرد از تاثیر لازم برخوردار نیست. ضمن آنکه در برنامه های توسعه هم به خاطر جایگاه تعریف نشده بخش کشاورزی و اساساً بخش صنعت، حمایت واقعی موثر از این بخش صورت نمی گیرد. درخصوص تامین خدمات عمومی نهاده های عمومی روستایی، آموزش و بهداشت، دانش و فنون کشاورزی، جهت دهی صنایع کوچک و مکمل روستایی، کار جدی و مستمر انجام نشده است و روز به روز فاصله

جایگاه بخش کشاورزی ...

شهرها با روستاها زیادتیر می‌شود از جهت حمایت قیمتی و پولی هم وضعیت رضایت بخشی وجود ندارد. حتی عده ای معتقدند در مجموع حمایت دولت از بخش کشاورزی منفی است. گندم در کشور ما یکی از کالاهایی است که برای دولت و جامعه بسیار با اهمیت می‌باشد. دولت با خرید گندم به قیمت تضمینی و تخصیص بیشترین میزان حمایت سعی کرده است تولید کننده و مصرف کننده را مورد حمایت قرار دهد. ولی مقایسه وضعیت شاخصهای قیمت تضمینی گندم در ایران با برخی از کشورها (جدول شماره ۸)، بیانگر این است که شاخص قیمت تضمینی گندم در ایران در سالهای ۹۷-۱۹۹۰ از شاخص قیمت جهانی و شاخص قیمت بعضی از کشورهای پیشرفته کمتر بوده است. اما در سالهای ۸۶-۱۹۸۴ حداقل از شاخص جهانی بیشتر بوده است. ارقام مربوط به رابطه رابطه مبادله گندم در کشور نیز وضعیت نامناسبی نداشته و نشانگر تنزل قیمت نسبی گندم با سایر کالاهاست (جدول ۹).

در این ارتباط، نجفی نیز در یک مطالعه کمی نرخ حمایت مؤثر برای گندم را برای سالهای ۷۶-۱۳۵۳ محاسبه کرده است که در جدول ۱۰ انعکاس یافته است (نجفی، ۱۳۸۰).

جدول ۸. مقایسه شاخص قیمت تضمینی گندم در بعضی کشورها

شرح	۸۶-۱۹۸۴	۹۷-۱۹۹۰
قیمت جهانی	۱۰۰	۱۰۰
اروپا	۱۳۶/۴	۱۱۹/۵

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

۱۰۳/۵	۱۰۷/۱	استرالیا
۱۰۲/۸	۱۲۷	کانادا
۱۰۲	۱۴۹/۶	امریکا
۱۴۵/۹	۱۵۸/۸	ژاپن
۸۲/۵	۱۱۲	ایران

جدول ۹. رابطه مبادله گندم در ایران

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
رابطه مبادله گندم	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶

جدول ۱۰. حمایت مؤثر از گندم در ایران

سال	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
نرخ حمایت	-۰/۸۱	-۰/۷۷	-۰/۷۳	-۰/۷۱	-۰/۷۵	-۰/۷۸	-۰/۷۱	-۰/۷	-۰/۷۵	-۰/۵۶	-۰/۵۹	-۰/۵۳
سال	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
نرخ حمایت	-۰/۵۵	-۰/۶	-۰/۶۳	-۰/۴۶	-۰/۴۵	-۰/۵۹	-۰/۴۴	-۰/۵۳	-۰/۶۶	-۰/۶۸	-۰/۶	-۰/۵۳

مأخذ جداول ۸ تا ۱۰: محمودی، ۱۳۸۱

مقایسه ارقام این جداول به خوبی گویای این واقعیت است که تولید گندم در کشور مورد حمایت مؤثر واقعی قرار نداشته است. لذا اگر گندم را به عنوان نمونه نوعی از بخش کشاورزی در نظر بگیریم، طبق اعداد و ارقام جدول ۱۰ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بجای حمایت از بخش کشاورزی از این بخش مالیات هم اخذ شده است. این در حالی است که در مورد سرمایه‌گذاری در بخش عمران روستا و کم کردن فاصله امکانات رفاهی میان

جایگاه بخش کشاورزی ...

شهر و روستا هم کار قابل ملاحظه‌ای انجام نشده است. وانگهی بخش خصوصی هم انگیزه ندارد در این قلمرو سرمایه‌گذاری کند. زیرا بازدهی سرمایه در امور مربوط به اقتصاد پولی - دلای شهری بسیار بالاتر از بازدهی سرمایه‌گذاری در امور تولید کشاورزی و زیربنای روستایی است. در زمینه‌های تحقیق و توسعه بخش نیز سرانه اعتبار تحقیقات کشاورزی در ایران در مقایسه‌ها با کشورهای دیگر پایین بوده است. این نه به دلیل پایین بودن اعتبار نسبی تحقیقات کشاورزی (نسبت به بخشهای دیگر) در کشور، بلکه اساساً به علت محدود بودن بودجه تحقیقات دانشگاهی و غیردانشگاهی کشور برای بخشهای صنعت و کشاورزی میباشد. سهم اعتبار تحقیقات کشاورزی از کل اعتبارات تحقیقاتی و سرانه تحقیقات کشاورزی در جداول ۱۲ و ۱۳ آمده است.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

جدول ۱۱. سهم اعتبارات تحقیقات کشاورزی از کل اعتبارات تحقیقاتی ایران

سال	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
سهم اعتبارات تحقیقات کشاورزی از کل اعتبارات تحقیقاتی	۴۲	۵۲	۵۰	۴۰	۵۶	۴۵	۵۲	۵۶
سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
سهم اعتبارات تحقیقات کشاورزی از کل اعتبارات تحقیقاتی	۵۱	۴۳	۴۸	۴۵	۳۹	۳۷	۳۹	۳۹

مأخذ : قوانین بودجه سالانه

جدول ۱۲. مقایسه سرانه بودجه تحقیقات کشاورزی از بودجه تحقیقاتی دولت در برخی

کشورها

(دلار آمریکا)

کشور	دانمارک	فنلاند	کانادا	ایرلند	فرانسه	انگلستان	آمریکا	اتریش	سوئد	بلژیک	ایران
سال	۱۹۹۶	۱۹۹۶	۱۹۹۸	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۶	۱۹۹۶	۱۹۹۶	۱۹۹۸
سرانه اعتبارات تحقیقات کشاورزی	۱۷/۴	۷/۱۶	۱۳/۵	۱۰/۴	۸/۵	۶/۶	۵/۷	۵/۶	۵/۵	۵/۴	۱

مأخذ : www.oecd.org

همانطور که از جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، با آنکه سهم بودجه تحقیقات کشاورزی از کل بودجه تحقیقاتی رقم

جایگاه بخش کشاورزی ...

قابل ملاحظه ای است، اما براساس جدول ۱۲ میزان اعتبارات سرانه تخصیص یافته به تحقیقات کشاورزی کشور در مقایسه با سایر کشورها رقم بسیار اندکی است (جدول ۱۱). به عبارت دیگر توجه به مجموعه اعداد و ارقام دو جدول ۱۱ و ۱۲ بیانگر سهم ناچیز تحقیقات در اقتصاد کشور است و این مدعی ما مبنی بر اینکه مشکل کشاورزی ما مثل مشکل صنعت ما مشکل توسعه نیافتگی و نداشتن برنامه توسعه ملی است را تایید می‌کند.

۴.۵. اعتبارات بخش کشاورزی

واقعیت این است که مصوبات شورای پول و اعتبار در مورد مانده تسهیلات اعطایی به بخشها گویای توجه قابل ملاحظه این نهاد به بخش کشاورزی است. اما بنظر می‌رسد ترکیب اعتبارات بانکی در مورد اعتبارات عمرانی روستایی و کشاورزی و امور دیگر تا حدی نامناسب است. جدول ۱۳ وضعیت نسبی اعتبارات عمرانی و بخش کشاورزی را با مقایسه مانده تسهیلات بانکها و اعتبارات عمرانی بخش کشاورزی در سالهای ۱۳۵۹، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۸ به تصویر کشیده است. همانطور که از اعداد و ارقام جدول مذکور ملاحظه می‌شود، اعتبارات عمرانی کشاورزی در سال ۱۳۷۸، ۳۶ برابر مقدار آن در سال ۱۳۵۹ است، در حالی که مانده تسهیلات بانکها ۴۷ برابر شده است. لذا نسبت اعتبارات عمرانی به مانده تسهیلات بانکی از ۰/۰۸ به کمتر از ۰/۰۶ تنزل یافته است.

جدول ۱۳. مقایسه مانده تسهیلات بانکی و اعتبارات عمرانی کشاورزی

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

(میلیارد ریال)

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۹	۱۳۷۸
مانده تسهیلات بانکی	۳۳۱/۸	۲۱۳۳/۸	۱۵۱۵۰/۷
اعتبارات عمرانی	۲۶/۷	۱۶۶	۹۷۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
 به نظر می‌رسد با وجود شکاف و دوگانگی شدید میان اقتصاد روستایی و شهری تمایلی برای بکارگیری اعتبارات چه از طرف روستاییان و چه از طرف بانکها وجود ندارد. این در حالی است که شورای پول و اعتبار در تصویب سهم تسهیلات به بخش کشاورزی توجه خوبی مبذول داشته است. به عنوان مثال شورای مذکور برای سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ اعتبارات کل را به صورتی که در جدول ۱۴ انعکاس یافته است میان بخشها تسهیم کرده است. گزارش بازرسی و حسابرس قانونی نیز در مورد عملکرد بانکهای ملی، صادرات، سپه، ملت و تجارت در خصوص اعطای تسهیلات به بخش خریدولتی در جدول ۱۵ آمده است.

جدول ۱۴. سهم بخشهای مختلف اقتصادی در افزایش مانده تسهیلات اعطایی

به بخش (درصد)	خریدولتی					
	کل	بازرگانی و خدمات	صادرات	کشاورزی	ساختمان و مسکن	صنعت و معدن
	۱۰۰	۴/۵	۸	۲۵	۲۹	۳۳/۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جایگاه بخش کشاورزی ...

جدول ۱۵. عملکرد بانک های کشور در خصوص اعطای تسهیلات به بخش های

مختلف اقتصادي

بازرگانی و خدمات		صادرات		کشاورزی		مسکن و ساختمان		صنعت و معدن		بخش اقتصادی نام بانک
انحراف	عملکرد	انحراف	عملکرد	انحراف	عملکرد	انحراف	عملکرد	انحراف	عملکرد	
	رد		رد	ف	رد		رد	ف	د	
۲۳/۵	۲۷	-۸	-	۱۵	۱۰	۳	۳۲	/۵	۳۱	ملی
				-				-۲		
۳۰/۶	/۱	/۲۶	/۲۶	/۵	/۵	-۴	۲۵	/۱	/۶	سپه
	۳۵	-۹	-۱	-۱۸	۶			۱	۳۴	
۱۸/۸	/۳	۷/۹	/۱	/۲	/۸	۹/۹	/۶	/۷	/۲	صادرات
	۲۳	-	۰	-۲	۲۲	-	۱۹	۰	۳۴	
۱۴	/۵	-۲	۶	۱۲	۱۳	۷/۵	/۵	/۷	۴۱	ملت
	۱۸			-		-	۲۱	۷		
۰/۷	/۷	؟	؟	/۲	/۸	۱/۷	/۷	/۷	/۸	تجارت
	۱۲			-۱	۲۳		۳۰	-۰	۳۲	
/۰۶	/۳	-	-	/۸	/۲	۳/۲	/۸	/۳	/۷	میانگین
۱۳	۲۳			-۹	۱۵	-	۳۵	۱	۳۴	انحراف

مأخذ : سازمان بازرسی و حسابرسی

البته وضعیت عملکرد اعتباری سایر بانکها مثل بانک رفاه، کارگران، مسکن، صنعت و معدن، توسعه صادرات و کشاورزی در گزارش مذکور نیامده است. اما با توجه به حجم عملیات نسبتاً پایین این بانکها (نسبت به بانکهایی که در گزارش آمده است) اعداد و ارقام جدول ۱۴ می تواند قابل تعمیم به کل اقتصاد باشد. همانطور که از جدول مذکور ملاحظه می شود عملکرد اعتبارات پنج بانک مهم کشور در سال نوعی ۱۳۷۷ در

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

مورد بخش کشاورزی بسیار پایین‌تر از مقادیر مصوب و عملکرد آنها در خصوص بازرگانی و خدمات بسیار بیشتر از مقادیر مصوب است. این واقعیت می‌تواند یا بیانگر آن باشد که بازدهی‌های کم بخش‌های مولد بانکها را وادار می‌کند که به بخش‌های نامولد بیشتر وام بدهند و لذا دستگاه تامین کننده پول اقتصاد دلای تجاری شهری باشند و یا اینکه اصولاً زمینه جذب اعتبارات در روستاها و بخش کشاورزی پایین است. یا اینکه هر دو دلیل در ایجاد وضعیت مذکور موثر بوده اند. اما بخوبی می‌توان دریافت که این وضعیت انعکاس از نبود بستر توسعه ملی، عدم موضوعیت توسعه روستایی و حاکمیت اقتصاد پولی تجاری شهری بر کشور است.

۴. ۶. وضعیت قیمت‌های نسبی

اقتصاددانان کلاسیک مثل آدام اسمیت، مالتوس، ریکاردو و استوارت میل پیش‌بینی کرده بودند که روند قیمت نسبی محصولات کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی رو به افزایش است. زیرا معتقد بودند که صنایع با بهره‌وری بیشتر و آهنگ سریع‌تر رشد می‌کنند، اما توسعه و رشد بخش کشاورزی با محدودیت‌های بیشتری مواجه است. روند قیمت‌های کشاورزی و صنعتی در زمان خودشان هم این ادعا را تایید می‌کرد. این در حالی است که قیمت محصولات کشاورزی در اروپا و کشورهای پیشرفته بخاطر

جایگاه بخش کشاورزی ...

پیشرفت‌های قابل ملاحظه و سریع در این بخش بطور محسوسی کاهش یافته است. اما قیمت محصولات صنعتی با آهنگی بسیار شدیدتر کاهش داشته است. لذا در کشورهای مذکور ابداعات، اختراعات و پیشرفت‌های سریع در بخش صنعت با وجود پیشرفت‌های شگرف در بخش کشاورزی به روند افزایش قیمت نسبی کالاهای کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی منجر شده است. در عین حال، کم‌کهای غیرمستقیم و مبنایی دولتهای آنها در جهت تامین نهاده‌های عمومی روستایی و کمک به زیرساخت‌های کشاورزی و نیز حمایت‌های پولی و قیمتی آنها به این بخش نیز يك واقعیت مشهود است. اما در اقتصاد ایران بخاطر محدودیت‌های صنعتی یا عقب ماندگی صنعتی و نیز وابستگی صنایع به ارز خارجی و یا قطعات وارداتی و قرار داشتن کالاهای صنعتی در معرض مستقیم عوامل واسطه‌ای و تجاری شهری از يك طرف و ضعف نسبی بخش کشاورزی از نظر تکنولوژی، منابع، زیرساخت‌ها و قدرت صنفی و چانه‌زنی، قیمت محصولات کشاورزی نسبت به قیمت کالاهای صنعتی روند کاهشی داشته است. البته قیمت مصرف‌کننده محصولات کشاورزی چه بسا اینطور نبوده است و این بخاطر وجود سود افزوده (Mark up) زیادی است که واسطه‌گران و دلان محصولات کشاورزی به قیمت تولیدکننده اضافه می‌کنند. بنابراین قیمت نسبی

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

محصولات کشاورزی برای کشاورزان در طول زمان به زیان این بخش عمل کرده است. از طرف دیگر هزینه تولید محصولات کشاورزی در کشور نیز بخاطر عدم تحقق مکانیزاسیون، انجام ندادن اصلاحات نهادی روستایی، هزینه های کود، سم و نهاده ها بسیار بالاست. بطوری که در شرایط جاری واردات گندم با دلار ۸۰۰ تومان از گندم تولید داخل ارزان تر است. هزینه تولید داخلی شکر با همین نرخ ارز حدود دو برابر قیمت واردات آن است. در جدول ۱۶ رابطه مبادله کالاهای گندم، جو، ذرت، پنبه و ش و سیبزمینی برای دوره ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ ارایه شده است.

جدول ۱۶. رابطه مبادله کالاهای منتخب با بخش غیرکشاورزی

سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
رابطه مبادله گندم	۱	۱/۰۳	۰/۸۹	۱/۰۶	۰/۸۶	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۸۱	۰/۷۴	۰/۸۷
جو	۱	۱/۰۱	۰/۷۶	۰/۹۱	۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۶۵	۰/۷۲	۰/۶۵	۰/۷۱
ذرت	۱	۱	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۸۷	۰/۵۸	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۷۲	۰/۶۶	۰/۷۷
پنبه و ش	۱	۰/۹۲	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۷۳	—	—	۰/۸۰	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۸۱
سیب زمینی	۱	۰/۹۵	۰/۷۱	۰/۸۵	۰/۶۹	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۴۹	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۵۸

مأخذ: محمودی، مصطفی. (۱۳۸۱).

همانطور که از جدول (۱۶) ملاحظه می شود رابطه مبادله این کالاها با بخش غیرکشاورزی با وجود قیمت تضمینی به زیان بخش کشاورزی و این کالاها بوده است.

جایگاه بخش کشاورزی ...

بنابراین نباید انتظار رشد قابل ملاحظه و تحقق چشم اندازهای توسعه‌ای از این بخش داشته باشیم. به‌رحال از آنجا که بخش کشاورزی در اقتصاد ایران به لحاظ ارزش افزوده، پتانسیلها و اشتغال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به هیچ وجه نباید میان این بخش و بخش صنعت تضاد ایجاد کرد. کما اینکه تضاد موجود هم تضاد میان بخش کشاورزی و صنعت نیست. بلکه تضاد میان بخشهای مولد و بخشهای نامولد و پولی تجاری شهری است. تداوم حاکمیت و گسترش این بخشهای نامولد منابع را از صنعت و کشاورزی دریغ می‌دارد. بنابراین باید با ایجاد یک بستر توسعه ملی و طراحی توسعه روستایی در دورن بستر فوق با اهتمام به توسعه روستایی و تولید، زمینه‌های تحقق پتانسیلهای این بخش را فراهم کرد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی ابعاد نظری و تجربی جایگاه بخش کشاورزی در مراحل مختلف توسعه یافتگی اقتصاد هر کشور مشخص شد که اولاً بخش کشاورزی به لحاظ اهمیتی که در امنیت غذایی و استقلال سیاسی کشور دارد به هیچ وجه نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد و هر برنامه اصلاحی اقتصادی بدون توجه و تاکید نسبت به این بخش راه به جایی نمی‌برد. ثانیاً برای تحقق اهداف رشد و توسعه کشور باید بستر توسعه ملی را طراحی و ایجاد کرد و با تاکید بر توسعه روستایی جایگاه بخش کشاورزی را در بستر

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

مذکور مشخص نمود. تنها در پرتو چنین اقدام مبنایی است که جایگاه بهینه و تعامل پویا و کارآمد میان بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات مشخص، تعیین و محقق می‌شود. ثالثاً تشریح شد که ایده وجود تضاد میان بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ایران موضوعیت ندارد. بلکه میان بخش کشاورزی و صنعت و خدمات مولد از یک طرف و بخش دلای و پولی و تجاری شهری از طرف دیگر تضاد وجود دارد. همچنین با استفاده از آمار و ارقام رسمی مشخص شد که روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نامناسب است. وضعیت حمایت از بخش در مقایسه با کشورهای پیشرفته و بعضی از کشورهای در حال توسعه مطلوب نیست. عملکرد مربوط به اعطاء اعتبارات یا جذب آنها بسیار پایین‌تر از مقادیر مصوب است. اعتبارات عمرانی روستایی و بودجه تحقیقات کشاورزی ناچیز است. سپس اشاره شد که جبران این کاستی‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری، حمایت‌ها، اعتبارات عمرانی و تحقیقاتی و ... تنها در صورت ایجاد یک روند توسعه‌ای و حذف فعالیتهای نامولد و توجه به توسعه روستایی نتیجه بخش خواهد بود. ایجاد چنین بستر توسعه‌ای نه به معنای تاکید بیش از حد بر بخش کشاورزی (یا صنعت) است و نه به معنی تخصیص منابع محدود به امور نامحدود. بلکه به معنی ایجاد یک تعامل پویا و توسعه‌ای میان بخش‌های مولد اقتصادی برای تضمین و تداوم رشد و توسعه اقتصاد کشور است.

منابع

۱. روستو، والت و ایتمن (۱۳۷۴)، نظریه پردازان رشد اقتصادی، ترجمه دکتر قره‌باغیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه دکتر وحید محمودی، انتشارات دستان، تهران.
۳. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۷.
۴. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۰)، اقتصاد رشد و توسعه جلدهای اول و دوم، نشر نی، تهران.
۵. گریفین، کیت (۱۳۷۵)، راهبرد توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر، نشر نی، تهران.
۶. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات آثار یکسان سازی نرخ ارز بر بخش کشاورزی.
۷. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۱)، حمایت از بخش کشاورزی؛ چرایی و چگونگی آن در کشورهای مختلف.
۸. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، نگاهی به تحولات بخش کشاورزی در اقتصاد ایران، سند شماره ۱۱۸۵.
۹. محمودی، مصطفی (۱۳۸۱)، بررسی چالش‌های بازار گندم، آرد و نان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۷.

اقتصادکشاورزی و توسعه - شماره ۴۸

۱۰. معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۶)، آمارهای اقتصادی.

۱۱. میر، جerald (۱۳۷۸)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی، تهران.

۱۲. نجفی، بهاء الدین (۱۳۸۰)، بررسی سیاست های دولت در زمینه گندم، چالش ها و رهیافتها، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴.

۱۳. نیلی. مسعود، (۱۳۷۶)، اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهشی در برنامه ریزی و توسعه، تهران.

14. Lewis, A.W. (1950), The industrialization of The British west indies, *Caribbean Economic Rreview*.

15. OECD (2001), Agriculture policy in OECD countries, OECD.